

سیمایی از آمارهای جمعیتی در ایران

دکتر حبیب‌ا... زنجانی*

بعد از انقلاب اسلامی نابسامانیهای زیادی در جمع‌آوری آمار و ارقام پیش آمد، نه تنها سازمانهای غیرتخصصی به جمع‌آوری آمار و اطلاعات جمعیتی پرداختند که ناموجه بودن آن نیازی به استدلال ندارد، بلکه در دو سازمان تخصصی یعنی «مرکز آمار ایران» و «سازمان ثبت احوال» نیز آمارها وضع نامطلوبی پیدا کرد و محققان و مسئولان برنامه‌ریزی کشور را به نوعی سردرگمی دچار ساخت. شواهد متعددی در این مورد وجود دارد که تنها ذکر نمونه‌هایی از آن ضرورت پرداختن به موضوع را روشن می‌سازد.

۱. تنها مهاجران داخل استانی در نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵ که در سال ۱۳۵۹ منتشر شده است در جدول ۳-۱ آن نشریه ۱/۸۰۰/۸۵۳ نفر و در جدول ۲ در همان نشریه ۴/۳۹۱/۹۶۳ ذکر شده و براساس ارقام اخیر که نادرست است، جداول تفصیلی مربوط به مهاجرت‌های داخلی تدوین شده است.

۲. جمعیت استان مرکزی در ص ۴۹ این نشریه با تأکید بر اینکه شهرستان منفک شده تهران را دربر نمی‌گیرد با احتساب جمعیت شهرستان تهران داده شده و سرجمع جمعیت کشور را از ۲۷/۷۰۸/۷۴۴ نفر به ۲۸/۳۹۸/۲۴۱ افزایش داده است.

۳. در نشریه کل کشور سرشماری سال ۱۳۶۵ ارقام مربوط به انواع مهاجرت‌ها (جدول ۳ آن نشریه) با ارقام جدول ۴ همان نشریه بیش از ۶۰۰ هزار نفر اختلاف داشته است که پس از اعلام و یادآوری آن، مرکز آمار تنها به تصحیح جدول ۳ در نشریه کل کشور اقدام کرد و درصدد رفع علت اصلی این مغایرت برنیامد و در نتیجه مغایرت بین مجموع تعداد مهاجران شهرستانهای تشکیل‌دهنده استانهای یزد،

کرمانشاه، کردستان، سمنان و زنجان با ارقام استانی آن باقی ماند و بررسیهای ما در مطالعات تحول جمعیت کشور نشان داد که همه ارقام مربوط به جدولهای نشریه‌های شهرستانی این استانها در عدد ۲ ضرب شده و دو برابر مقدار واقعی آن اعلام شده است.

۴. تعداد زرتشتیان در سرشماری سال ۱۳۶۵ نادرست است و شمار آنان از ۲۱/۴۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۹۰۸۹۱ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. حال آنکه چنین رخدادی واقعیت ندارد، بلکه در گدگاری ارقام سال ۱۳۶۵ به اشتباه تعدادی از مسلمانان زرتشتی محسوب شده‌اند. لازم به ذکر است در اغلب شهرستانهای مازندران، گیلان و برخی استانهای دیگر درحالی که شاید حتی یک خانوار زرتشتی وجود نداشته باشد شاهد حضور صدها نفر از پیروان این دین در آمارهای آن شهرستانها هستیم. در گنبد ۸۷۵ نفر (۲۱۳ نفر در شهر و ۶۴۲ نفر در روستا) در رودسر ۱۷۹۲ نفر (۳۱۱ نفر در شهر و ۱۴۸۱ نفر در روستا) در تالش ۱۲۵۹ نفر (۱۸۸ نفر در شهر و ۱۰۷۱ نفر در روستا) و در بندر ترکمن ۲۴۹ نفر (۱۲۳ نفر در شهر و ۱۲۶ نفر در روستا) در کرمانشاه ۱۱۹۴ نفر (۸۷۵ نفر در شهر و ۳۱۹ نفر در روستا) در قم ۸۳۵ نفر (۷۵۴ نفر در شهر و ۸۱ نفر در روستا).

۵. تعداد متولدین خارج از کشور در این سرشماری اعم از ایرانیان متولد شده در خارج کشور و اتباع و خارجیان مقیم ایران با احتساب پناهندگان افغانی و عراقی در این سرشماری ۸۵۲۵۰۷ نفر اعلام شده است. درحالی که آمار و ارقام دیگری که در نشریات سازمان ملل منتشر شده است، شمار این افراد را در سال (۱۳۷۲) بیش از ۴ میلیون نفر اعلام کرده‌اند. تعداد پناهندگان افغانی در آمارهای اداره اتباع بیگانه در ایران نیز همواره بیش از آمارهای سرشماری و اغلب چند برابر آن بوده است.

۶. ارقام جمعیت و زیرمجموعه‌های آن نه تنها در مقیاس کل کشور بلکه در مقیاسهای کوچکتر از جمله، مقیاسهای دهستانی نیز خالی از اشکال نیست. کافی است به عنوان نمونه جمعیت دهستان اردمه از شهرستان مشهد در دو نشریه فرهنگ آبادی و فرهنگ روستایی سال ۱۳۶۵ با هم مقایسه شوند (۶۶۱۶ نفر در فرهنگ آبادیها و ۲۰۴۹۴ نفر در فرهنگ روستایی).

۷. آمارهای ثبت احوال نیز از دو نظر سؤال برانگیز است، اول از نظر پوشش ثبتی که علی‌الاصول می‌بایست پس از طی این مدت طولانی به درجه بالایی از دقت و صحت رسیده باشند، دوم از نظر نوسانات ثبتی حتی در بین شهرستانهای یک استان، که ترسیم کلی تحول وقایع جمعیتی را، مشکل می‌سازد. بر این نکته باید طولانی بودن زمان ثبت موالید یکسال را افزود که در مواردی چندین سال باید منتظر بود تا تعداد موالید یکسال به تقریب معلوم شود. به عنوان مثال ارقام متعددی در مورد موالید سال ۱۳۶۵ اعلام شده است که تفاوت آنها قطعاً ناشی از ثبت موالید آن سال در سالهای مختلف حتی تا این اواخر است. رقم مربوط به مرگ و میرها نیز داستانی دیگر دارد. برمبنای آمارهای ثبت احوال، میزانهای مرگ و میر عمومی در بعضی استانها از حدود ۲ تا ۳ در هزار تجاوز نمی‌کند و در بعضی دیگر حتی از ۲ در هزار نیز کمتر است. با اضافه کردن آمارهای منتشره از سازمانهای دیگر بر این مجموعه، حالت سردرگمی عجیبی پیش می‌آید، به گونه‌ای که هر کس به خود اجازه می‌دهد هر عددی را که بخواهد به عنوان پشتوانه محکم بیانات و یا تقریرات خود به کار ببرد. این سردرگمی به سازمانهای بین‌المللی نیز کشانده شده و مغایرتهای غیرقابل توجیهی را به بار آورده است.

ناگفته نباید گذاشت که در سالهای اخیر تلاشهایی برای هماهنگ‌سازی اطلاعات جمعیتی و آمارهای حیاتی در کشور شروع شده، ولی چون منابع تهیه‌کننده آمارها اغلب بر صحت ارقام خود پای می‌فشارند، عملاً این تلاشها نیز ناموفق مانده است. واقعیت این است که تا روش درست و هماهنگی برای جمع‌آوری آمار و ارقام وجود نداشته باشد، امکان رفع این مشکلات وجود نخواهد داشت. کافی است به ذکر مثالی در این مورد بپردازیم.

حدود چهار سال پیش به دستور مقام عالی ریاست جمهوری قرار شد به منظور تعیین حدود صحت آمارگیری سال ۱۳۷۰ یک مطالعه مقایسه‌ای صورت گیرد و طی آن تعداد موالید، شناسنامه گرفته، در فاصله آمارگیریهایی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ با داده‌های آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ مقایسه شود.

متولدین از جمعیت ایرانی کشور از نیمه دوم سال ۱۳۶۵ تا نیمه دوم سال ۱۳۷۰ که شناسنامه برای آنها صادر شده، ۹/۰۸۸/۹۴۹ نفر بود که در رابطه با ۴۹/۲۳۵/۸۹۳ میانگین جمعیت ایرانی مقیم کشور در فاصله سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ میزان موالیدی معادل ۲۷/۵ در هزار به دست می‌داد. سازمان ثبت احوال میزان مرگ و میر عمومی تصحیح شده را در همین دوره ۷/۲ در هزار و میزان رشد طبیعی جمعیت را در وسط دوره ۶۵-۱۳۷۰ برابر ۲/۹۷ درصد اعلام کرده بود.

در گزارش ثبت احوال ذکر شده بود که آمار متولدین آن سازمان، مرگ و میرهای نوزادان تا اخذ شناسنامه را دربر نمی‌گرفته و ناظر بر جمعیت خارجیان مقیم کشور نیز نبوده است. با توجه به ارقام تفصیلی تعداد موالید بر حسب زمان که به شرح زیر اعلام شده بود:

نیمه دوم سال ۱۳۶۵ و نیمه اول سال ۱۳۶۶	۱/۹۲۷/۰۷۱ نفر
نیمه دوم سال ۱۳۶۶ و نیمه اول سال ۱۳۶۷	۱/۹۱۳/۶۰۲ نفر
نیمه دوم سال ۱۳۶۷ و نیمه اول سال ۱۳۶۸	۱/۸۷۶/۹۹۶ نفر
نیمه دوم سال ۱۳۶۸ و نیمه اول سال ۱۳۶۹	۱/۶۰۹/۴۹۸ نفر
جمع	۹/۰۸۸/۹۴۹ نفر

محاسباتی به شرح زیر متصور بود:

* به فرض آنکه پوشش ثبت احوال ۱۰۰ درصد بوده و برای همه نوزادان شناسنامه اخذ شده باشد و مرگ و میرهای نوزادان از لحظه تولد تا اخذ شناسنامه هم صفر تلقی شود و هیچ موالیدی از جمعیت خارجیان مقیم کشور هم ناشی نشده باشد بازماندگان افراد شناسنامه گرفته تا زمان سرشماری (پس از کسر مرگ و میرهای آنها) ۸۷۵۴۳۷۳ نفر خواهد شد.

* در صورتی که این رقم با توجه به نسبت جمعیت ایرانی به کل جمعیت تعدیل شود و برای خارجیان مقیم کشور که اغلب آنها عراقی و افغانی بوده و از نظر ترکیب جنسی و سنی جمعیت وضع مشابه جمعیت ایرانی داشته و سطح باروری زنان آنها نیز قوی‌تر از زنان ایرانی بوده است، سطح زاد و ولد مشابه جمعیت ایرانی در نظر

گرفته شود و سایر فرضیات بند بالای این گزارش به قوت خود باقی بماند
بازماندگان متولدین نیمه دوم ۱۳۶۵ تا نیمه دوم ۱۳۷۰ به:
 $۹۳۳۱۳۴۰ = ۸۷۲۷۶۰۲ : ۰/۹۳۵۳$ نفر خواهد رسید.

* در صورتی که پوشش ثبت موالید ۹۷ درصد و مرگ و میر نوزادان تا اخذ شناسنامه
۲ درصد تصور شود در آن صورت بازماندگان موالید تا زمان سرشماری به
 $۹/۶۱۹/۹۳۸$ نفر و تعداد افراد ۴-۰ ساله براساس محاسبات مربوط به میزان رشد به
 $۹/۸۲۲/۴۶۳$ نفر خواهد رسید.

با توجه به رقم اعلام شده در سرشماری سال ۱۳۷۰ برای افراد ۴-۰ ساله که
 $۸/۱۴۱/۲۸۵$ است حدود کم‌شماری سال ۱۳۷۰ در مقایسه با ارقام به‌دست آمده از
تجزیه و تحلیل تعداد شناسنامه‌های تنظیم شده برای متولدین سالهای مورد بحث در
شرایط اول $۶۱۳/۰۸۸$ نفر، در شرایط دوم $۱/۱۹۰/۰۵۵$ و در شرایط سوم $۱/۴۷۸/۶۵۳$
نفر به‌دست می‌آید.*

معمولاً گردآورندگان آمار و ارقام برای آن که صحت آمارهای خود را مسجل کنند
به اظهار نظرهایی چون ناقص بودن یا اضافه‌شماری آمارهای قبلی که مدافعی ندارند
می‌پردازند و این مسأله‌ای است که هرگز موجب بهبود جمع‌آوری داده‌های آماری
نمی‌شود.

* نتایج منتشر شده سرشماری سال ۱۳۷۵ صحت این ارزیابی را نشان می‌دهد. در این سرشماری تعداد افراد ۹-۵ ساله که
بازماندگان افراد ۴-۰ ساله آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ هستند $۸/۴۸۲$ هزار نفر اعلام شده که ۳۴۰ هزار نفر بیش از تعداد
آنان در سال ۱۳۷۰ است. این کسری شمارش می‌تواند با احتساب مرگ و میرهای آنان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ به حدود ۵۴۰ هزار
نفر افزایش یافته و با دخالت دادن احتمال کم‌شماری سال ۱۳۷۵ که از مقایسه افراد ۴-۰ ساله با بازماندگان متولدین سالهای ۱۳۷۰
تا ۱۳۷۵ برمی‌آید به رقمی بالاتر از ۶۰۰ هزار نفر برسد و یکی از فرضهای ارزیابی آمارگیری ۱۳۷۰ را محقق بدارد. این مسأله عیناً
در مورد افراد گروه سنی ۴-۰ ساله سرشماری ۱۳۶۵ و چگونگی شمارش آنان در سنین ۹-۵ ساله و در سرشماری ۱۳۷۰ و
۱۴-۱۰ ساله در سرشماری ۱۳۶۵ نیز مشهود است و بر صحت محاسبات اینجانب بر تعداد موالید دوره ۱۲ ماهه قبل از
سرشماری ۱۳۶۵ دلالت دارد (برای آگاهی بیشتر رجوع فرمایند به مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، ۱۳۶۷).

راه حل این مشکل قبول اصل علمی و فنی بودن گردآوری آمارها و رفع نقایص آنهاست و اولین گام در این راه شناخت حدود عدم صحت (کم یا اضافه برآورد) آمارهای گردآوری شده است. برای این کار چه در سطح همه شماریها، چه در سطح مطالعات نمونه‌ای و چه در قلمرو آمارهای حیاتی راه‌حلهایی وجود دارد. در این جا با توجه به موضوع مورد بحث، به ذکر نکاتی در باره یکی از فعالیتهای سازمان ثبت احوال پردازیم که مسؤول تهیه این آمارهاست.

طرح پوشش کامل وقایع حیاتی سازمان ثبت احوال، بی‌آنکه قضاوتی در کامل یا ناقص بودن آن بکنیم از حدود یکسال پیش به مورد اجرا گذاشته شده است. هدف این طرح از بین بردن و یا کاهش نقایص احتمالی این آمارهای ثبتی است. این طرح به عنوان نمونه در استانهای مازندران، کرمانشاه و سمنان اجرا می‌شود. برخی از اطلاعات به دست آمده از آنها در جدولهای زیر ارایه شده است.

جدول ۱. تعداد موالید ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵ در استانهای مورد مطالعه

به تفکیک شهری و روستایی برحسب ماه

ماه		۱	۲	۳	۴	۵	۶
مازندران	کل	۲۵۷۷	۲۸۸۶	۳۲۵۳	۴۰۸۰	۴۸۷۳	۴۶۶۴
	شهری	۱۳۶۶	۱۴۴۵	۱۵۹۱	۱۸۷۶	۲۲۸۸	۲۱۹۳
	روستایی	۱۲۴۱	۱۴۴۱	۱۸۱۶	۲۲۰۴	۲۵۸۵	۲۴۷۱
کرمانشاه	کل	۱۹۸۷	۲۰۳۵	۲۱۵۴	۲۲۲۸	۲۰۸۶	۱۸۶۴
	شهری	۱۳۲۳	۱۳۵۵	۱۳۸۳	۱۴۵۴	۱۳۷۹	۱۳۰۶
	روستایی	۶۴۴	۶۸۰	۷۷۱	۷۷۴	۷۰۷	۵۵۸
سمنان	کل	۲۹۶	۳۶۲	۴۰۷	۳۸۵	۴۲۱	۴۰۶
	شهری	۲۳۱	۲۸۶	۳۲۲	۲۸۵	۲۹۸	۳۳۳
	روستایی	۶۵	۷۶	۸۵	۱۰۰	۱۲۳	۷۶

جدول ۲. نسبت جنسی موالید ثبت شده طی ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵
استانهای مورد مطالعه

ماه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	
مازندران	کل	۱۲۳/۵	۱۱۰/۰	۱۰۴/۵	۱۰۱/۱	۱۰۱/۵	۱۰۴/۶
	شهری	۱۳۶/۵	۱۱۰/۶	۱۰۷/۴	۱۰۳/۳	۱۰۴/۱	۱۱۷/۶
	روستایی	۱۱۱/۱	۱۰۹/۴	۱۰۲/۲	۹۹/۲	۹۹/۳	۹۴/۳
کرمانشاه	کل	۱۱۳/۲	۱۰۵/۸	۱۰۵/۹	۹۴/۶	۱۱۵/۵	۱۰۴/۴
	شهری	۱۲۰/۵	۱۰۲/۲	۱۰۶/۷	۹۴/۹	۱۱۷/۲	۱۰۰/۳
	روستایی	۱۰۰/۰	۱۱۳/۲	۱۰۴/۵	۹۴/۰	۱۲۳/۳	۱۱۴/۰
سمنان	کل	۱۳۱/۲	۱۱۱/۷	۱۱۳/۱	۱۲۰/۰	۱۲۶/۳	۱۰۹/۷
	شهری	۱۲۴/۳	۱۰۷/۲	۱۱۴/۷	۱۱۴/۳	۱۲۹/۲	۱۱۲/۱
	روستایی	۱۶۰/۰	۱۳۰/۳	۱۰۷/۳	۱۳۸/۱	۱۱۹/۶	۱۰۰/۰

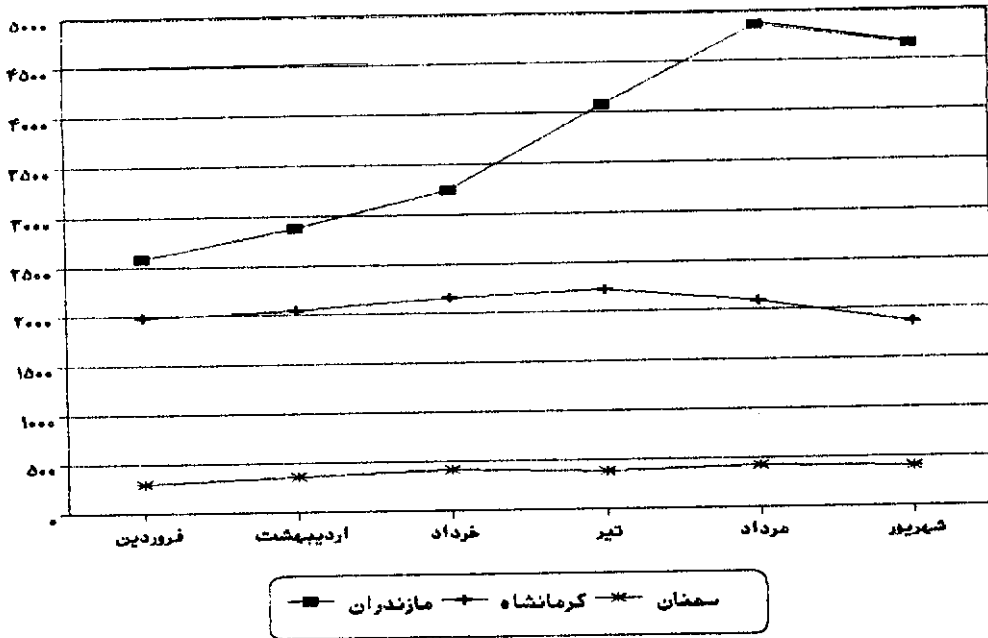
جدول ۳. نسبت موالید ثبت شده شهری استانهای مورد مطالعه
به کل موالید ثبتی ماهانه آنها دوره ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵

ماه	۱	۲	۳	۴	۵	۶
مازندران	۵۸/۵	۵۰/۱	۴۴/۲	۴۶/۰	۴۵/۷	۴۷/۰
کرمانشاه	۶۶/۶	۶۶/۶	۶۴/۲	۶۵/۳	۶۶/۱	۷۰/۱
سمنان	۷۸/۰	۷۹/۰	۷۹/۱	۷۴/۰	۷۰/۸	۸۲/۰

نتیجه‌گیریهای مقدماتی از این آمار و ارقام را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

۱. روال کلی ارقام مندرج در جدول یک نشانگر افزایش تعداد ثبت موالید در طول ماههای مورد مطالعه است. این افزایش جز در چند مورد، هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی دیده می‌شود. ارقام مربوط به ماه ششم در همه این استانها کمتر از ماه پنجم و ارقام مربوط به ماه پنجم در استان کرمانشاه و ماه چهارم در استان سمنان کمتر از ماه قبل از آنها بوده است. (نمودار ۱)

نمودار ۱. تعداد موالید ماهانه ثبت شده استانهای مازندران، کرمانشاه و سمنان
در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵



۲. اگر از ماه فروردین به دلیل تعطیلات چند روزه آن صرفنظر شود، تعداد موالید ثبت شده استان مازندران در ماه پنجم ۶۸/۸ درصد بیش از موالید ثبت شده در ماه اردیبهشت ماه آن استان بوده، این نسبت در استان سمنان ۱۶/۳ درصد و در استان کرمانشاه با آفتی که در آمار ثبتی ماه پنجم پیش آمده ۱/۸ درصد است. میزان رشد این ارقام با توجه به آن که یک دوره چهارماهه را پوشش می‌دهند، به مراتب بیش از میزانهای رشد طبیعی جمعیت است. لازم به یادآوری است که پایین بودن تعداد موالید ثبت شده در ماه ششم سال ۱۳۷۵ امری کاملاً محتمل بوده است و نباید آنرا دلیلی بر نقص پوشش ثبتی دانست، چه فاصله زمانی ۹ تا ۱۰ ماهه قبل از آن یعنی دهم خرداد تا هفتم مرداد سال ۱۳۷۴، مصادف با ماههای محرم و صفر بوده است، که عرفاً در آن ماهها بین شیعیان ازدواجی صورت نمی‌گیرد و خود به خود از شمار متولدين ۹ تا ۱۰ ماه بعد می‌کاهد و این یکی از بارزترین آثار عوامل فرهنگی بر سطح باروری در کشور ماست.

۳. با توجه به نسبتهای افزایش موالید ثبت شده استانه‌های مورد مطالعه در دوره چهار ماهه اردیبهشت تا مرداد ماه ۱۳۷۵ که به تفکیک شهری و روستایی به شرح زیر بوده است:

(درصد)

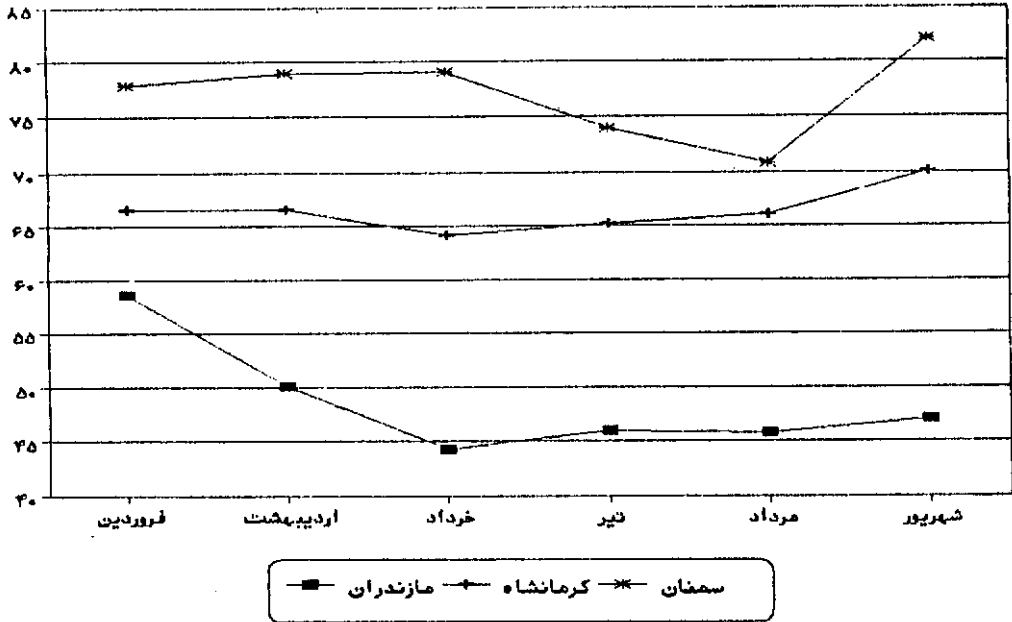
روستایی	شهری	استان
۷۹/۴	۵۸/۸	مازندران
۴/۰	۱/۸	کرمانشاه
۶۱/۸	۴/۲	سمنان

می‌توان گفت که تفاوت‌های بسیار مهمی در چگونگی ثبت موالید در استانه‌های مورد بحث وجود داشته است و این تفاوت در استان سمنان بین نقاط شهری و روستایی هم بسیار قابل ملاحظه بوده است. این وضع بررسی چگونگی اجرای این طرح را در سه استانی که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند، ضروری می‌سازد تا با شناخت علل این تفاوتها، روشهای مطمئن‌تری برای اجرای طرح در کل کشور پیدا شود.

۴. تغییرات نسبت جنسی در بین موالید ثبت شده، بسیار نامتعادل و ناهمگون است. (نمودارهای شماره ۲، ۳ و ۴) نسبت جنسی بین نوزادان جدیدالولاده حدود ۱/۰۵ نفر پسر در مقابل ۱ نفر دختر است که برای سادگی بیان آنرا در ۱۰۰ ضرب و به صورت ۱۰۵ پسر در مقابل ۱۰۰ دختر اعلام می‌کنند. می‌توان تغییرات این نسبت را بین ۱۰۳ تا ۱۰۷ محتمل و بین ۱۰۰ تا ۱۰۷ قابل قبول تلقی کرد. بی‌تردید رقم ۱۳۶/۵ (نسبت جنسی در بین موالید ثبت شده در فروردین ماه ۱۳۷۵ در نقاط شهری استان مازندران) و کاهش تدریجی آن را به حدود ۱۰۳/۳ در تیرماه ۱۳۷۵ و افزایش دوباره آن را به ۱۱۷/۶ در شهریور ماه همان سال نمی‌توان نوسانی قابل قبول دانست. این وضع به صورتهای مختلف با تفاوت‌هایی در شدت و ضعف آنها در ارقام ثبت شده استانی مورد مطالعه حتی به تفکیک در نقاط شهری و روستایی آنها هم به چشم می‌خورد و به احتمال زیاد باید دارای علل ثبتي باشد.

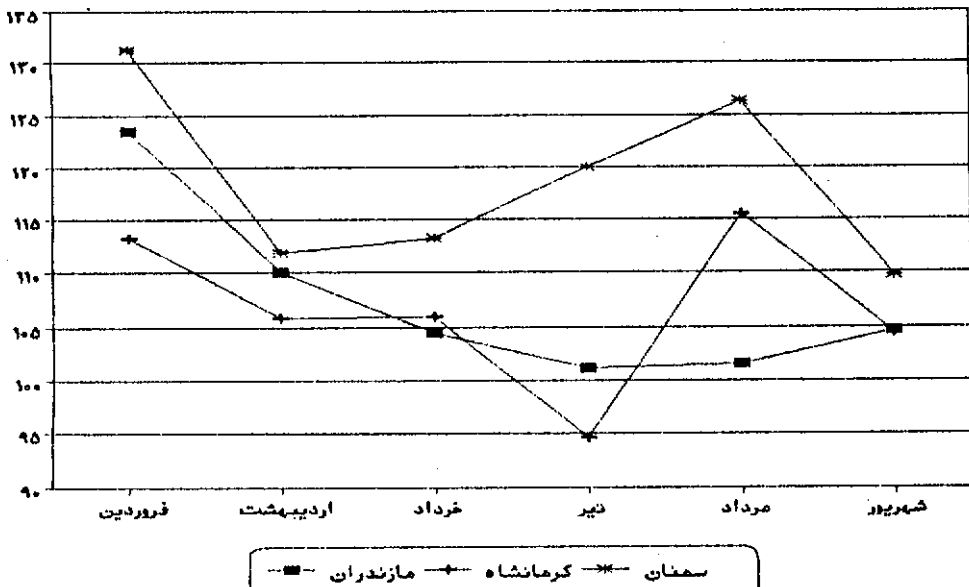
نمودار ۲. نوسانات نسبت موالید ماهانه شهری ثبت شده

به کل موالید استانهای مازندران، کرمانشاه و سمنان در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵



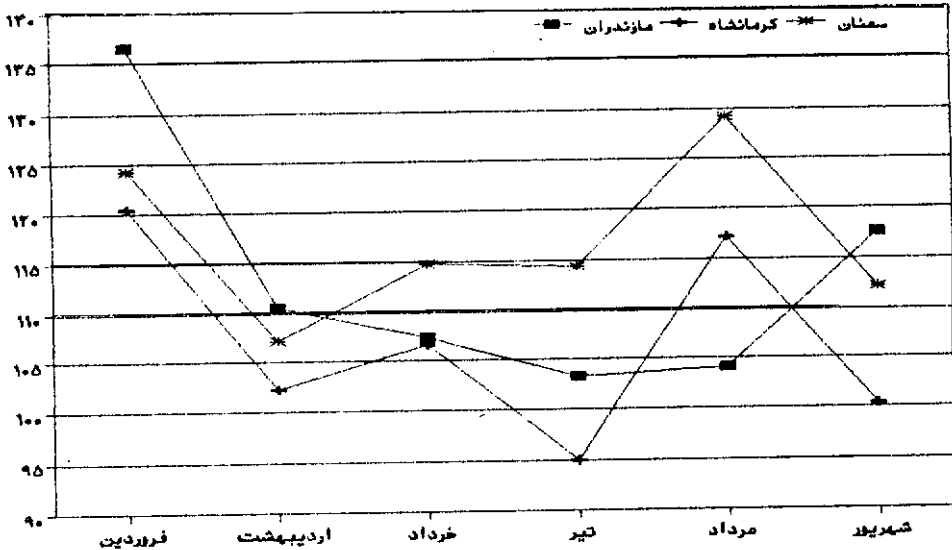
نمودار ۳. نسبت جنسی در بین موالید ماهانه ثبت شده

کل جمعیت استانهای مازندران، کرمانشاه و سمنان در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵



نمودار ۴. نسبت جنسی در بین موالید ماهانه ثبت شده

جمعیت شهری استانهای مازندران، کرمانشاه و سمنان در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵



معمولاً در بررسی‌های نمونه‌ای نوساناتی در مقایسه نسبت جنسی به چشم می‌خورد. لیکن هر چه تعداد نمونه بزرگتر شود، از دامنه تغییرات آن کاسته می‌شود، با توجه به تعداد موالید ثبت شده ماهانه استانهای مورد بحث که در اغلب موارد ارقام بزرگی را تشکیل می‌دهند، و این که نوسان این شاخص هم در بین نمونه‌های بزرگ و هم در بین نمونه‌های کوچک تجلی نموده و از هیچگونه نظم و ترتیب خاصی هم تبعیت نکرده است، باید احتمال ناشی شدن آنها را از حجم نمونه (موالید ثبت شده) منتفی دانست.

ارزیابی پوشش زمانی ثبت موالید ارقام به دست آمده از طرح، حاکی از آن است که پوشش ثبت موالید در استانهای مورد مطالعه حتی ۶ سال پس از ولادت هم تکمیل نشده و بعد از سپری شدن این مدت باز هم بیش از یک درصد موالید در نقاط شهری و بیش از ۱۳ درصد آن در نقاط روستایی بلا ثبت مانده است.

بر اساس آمارهای مردادماه سال ۱۳۷۵، درصد ثبت موالید در استانهای مورد مطالعه پس از سپری شدن یک سال از واقعه تولد بین ۹۲/۶ درصد در استان کرمانشاه، ۹۶/۱ درصد در استان سمنان قرار داشته است. این نسبتها در نقاط شهری بین ۹۵ تا ۹۹

درصد و در نقاط روستایی بین ۸۸/۵ تا ۹۰/۵ درصد در نوسان بوده است. بدیهی است که درصد پوشش در این سه استان که «طرح پوشش» در آنها به اجرا گذاشته شده است، باید بالاتر از ارقام سایر استانها باشد که چنین تلاشی در آنها صورت نگرفته است.

جدول ۴. فاصله بین تولد تا ثبت برحسب نوع و محل و جنس در مرداد ماه ۱۳۷۵

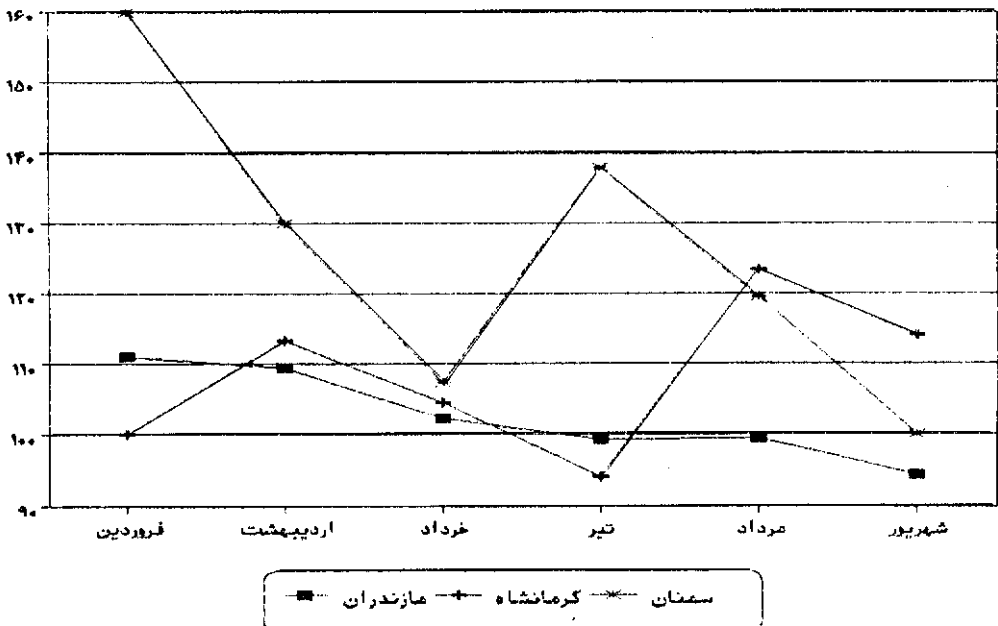
روستایی	شهری	کل	شرح	
۷۹/۲	۹۶/۲	۹۰/۳	۳ ماه	سمنان
۸۴/۵	۹۸/۲	۹۳/۴	۶ ماه	
۹۰/۵	۹۹/۰	۹۶/۱	۱ سال	
۹۷/۳	۹۹/۳	۹۸/۸	۶ سال	
۷۷/۱	۸۹/۳	۸۲/۵	۳ ماه	مازندران
۸۳/۴	۹۳/۷	۸۷/۹	۶ ماه	
۸۹/۶	۹۶/۷	۹۲/۷	۱ سال	
۹۸/۱	۹۸/۹	۹۸/۵	۶ سال	
۸۳/۰	۹۰/۸	۸۸/۰	۳ ماه	کرمانشاه
۸۶/۰	۹۳/۰	۹۰/۴	۶ ماه	
۸۸/۵	۹۵/۰	۹۲/۶	۱ سال	
۹۵/۷	۹۶/۶	۹۶/۵	۶ سال	

در مورد مقایسه تعداد موالید ثبت شده در ۶ ماهه اول سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ ارقام جدول ۵ اطلاعات جالبی به دست می‌دهد. در شرایطی که جو عمومی، بر کاهش تعداد موالید و موفقیت چشمگیر کنترل موالید در فاصله سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ تأکید می‌گذارد آمارهای ثبتی طرح پوشش در استانهای مازندران و سمنان بر افزایش آن دلالت دارند. افزایشی که در مجموع تعداد موالید این سه استان را از ۶۰/۹۷۳ نفر در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۱ به ۶۲/۶۰۲ نفر در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵ رسانده و روالی برعکس آمارهای اعلام شده را طی کرده است.

جدول ۵ مقایسه تعداد موالید ثبت شده در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵

شرح	۱	۲	۳	۴	۵	۶	جمع	مازندران	
								۱۳۷۴	۱۳۷۵
	۶۷۲۲	۶۴۴۶	۵۹۹۸	۶۴۲۴	۶۷۲۳	۶۴۳۱	۲۸۷۴۴	۱۳۷۴	مازندران
	۷۸۹۹	۷۳۹۷	۶۱۵۴	۶۱۶۶	۶۹۸۲	۶۷۱۳	۴۱۳۱۱	۱۳۷۵	مازندران
% تغییرات	+۱۷/۵	+۱۴/۸	+۲/۶	-۴/۰	+۲/۹	+۴/۴	+۶/۶		مازندران
	۳۶۹۹	۰	۴۷۴۲	۳۳۶۱	۳۱۳۴	۳۰۱۰	۱۷۹۴۶	۱۳۷۴	کرمانشاه
	۳۶۱۹	۵۰۱۹	۳۹۷۱	۳۴۷۷	۳۰۵۷	۲۷۹۴	۱۶۹۱۸	۱۳۷۵	کرمانشاه
% تغییرات	-۲/۱	۰	-۱۶/۳	+۲/۵	-۲/۵	-۷/۲	-۵/۷		کرمانشاه
	۷۴۵	۶۶۶	۶۶۸	۷۰۲	۷۸۴	۷۱۸	۴۲۸۳	۱۳۷۴	سمنان
	۶۰۶	۸۳۸	۷۹۷	۷۰۸	۷۶۵	۶۵۹	۴۳۷۳	۱۳۷۵	سمنان
% تغییرات	-۱۸/۷	+۲۵/۸	+۱۹/۳	+۰/۹	-۲/۴	-۸/۲	+۲/۱		سمنان

نمودار ۵. نسبت جنسی در بین موالید ماهانه ثبت شده جمعیت روستایی استانهای مازندران، کرمانشاه و سمنان در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۵



آنچه که از مجموعه این بحثها حاصل می‌شود، این است که به‌رغم تلاشهای بسیار گسترده مراکز تهیه‌کننده آمار و ارقام جمعیتی، نقص و ناهماهنگی‌هایی هم در بین آمارهای یک سازمان و هم در مقایسه با آمارهای سازمانهای مختلف وجود دارد. بهبود ثبت آمارهای حیاتی به‌ویژه در مورد مولید مهمترین ابزار شناخت تحول جمعیت کشور و وسیله مناسبی برای ارزیابی آمارهای دیگر است. نتایج به‌دست آمده حاصل از اقدامات انجام شده باید مورد تحلیل قرار گیرد و نکات ضعف و قوت آنها شناخته شود، تا راهی را که شروع شده است بتوان در صورت لزوم تصحیح و ادامه داد.

هدف این مقاله از طرح نقایص آماری انتقاد از اشخاص و یا سازمانهای خاصی نیست. بلکه هدف اصلی جلب توجه محققانی است که با آمار و ارقام جمعیتی سر و کار دارند تا در مواردی که شبهه‌ای وجود دارد، با تعمق بیشتری به مسأله بنگرند.

بدیهی است در دریای عظیمی از آمار و اطلاعات همواره ممکن است نقایصی هم وجود داشته باشد. آنچه که مهم است توجه به این نقایص و تلاش برای رفع آنهاست و نه توجیه و تأیید آنها.

منابع:

۱. نشریات سرشماری سالهای ۱۳۵۵ به بعد.
۲. گزارش‌های ثبت آمارهای حیاتی سازمان ثبت احوال کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵.
۳. مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۲.

تصحیحات:

- ۱- در مقاله آقای دکتر زنجانی (ص ۶۷) رقم $(27/708/744)$ به رقم $(23/708/744)$ تصحیح می‌گردد.
- ۲- در مقاله آقای امیرخسروی (ص ۱۹) نسبت $\frac{F_1}{F_2}$ به $\frac{f_1}{f_2}$ تصحیح می‌گردد. در همین مقاله نرخ‌های \bar{A} برای هزار نفر محاسبه شده است.

اصلاحات مربوط به فصلنامه شماره ۱۹ و ۲۰

- ۱- در مقاله آقای ارژنگ امیرخسروی (ص ۷۵) کتاب (اعلاق النقیسه) نوشته شده است که بدینوسیله به (طهارة الاعراق) تصحیح می‌گردد.
- ۲- در مقاله تغذیه، رفاه و باروری آقای دکتر احمد کتابی عبارت «یعنی فرزند دوشکمند» (ص ۱۴۷) به عبارت «یعنی دو فرزند یک شکمند» تصحیح می‌گردد.